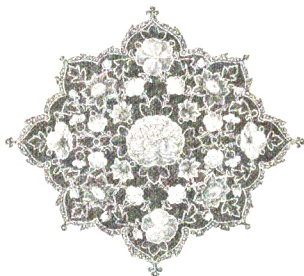


# نقاشی ایران

از دیرباز تا امروز

رویین پاکباز



اشعارات نیزین سپین

## فهرست

۷	پیش نوشتار
۱۵	بخش یکم: دوران کهن
۵۵	تصاویر دوران کهن
۷۳	بخش دوم: دوران میانه
۱۱۶	تصاویر دوران میانه
۱۵۹	بخش سوم: دوران جدید
۱۸۵	تصاویر دوران جدید
۲۲۱	بخش چهارم: دوران معاصر
۲۴۳	تصاویر دوران معاصر
۲۶۲	منابع و مآخذ

## بخش یکم: دوران کهن

تحولات هنر تصویری ایران از روزگار پیشاتاریخی آغاز شد. روند چند هزار ساله هم‌آمیزی سنتهای تصویری آسیای غربی نهایتاً در الگوی ایرانی عصر هخامنشی تبلور یافت. این الگوی چند قرن زیر موج یونانی‌مآبی پوشیده ماند؛ اما در زمان ساسانیان از نورخ نمود و در شرایط اجتماعی و فرهنگی این عصر ویژگیهایی جدید کسب کرد. در این میان، پارتیان با رویکرد به سنتهای کهن‌تر ایرانی و شرقی شخصیت خویش را در هنری تلفیقی ظاهر ساختند. از سوی دیگر، آسیای میانه از هم‌آمیزی سنتهای ایرانی و هندی و چینی الگوهای خاص خود را آفرید. میراث ساسانی و آسیای میانه به دوره اسلامی رسید و بر جریان هنر تصویری ایران تا زمان سلجوقیان تأثیر قاطع گذاشت. استیلای مغولان بر ایران نقطه پایان این روند بود.

از این دوره طولانی (که آن را با عنوان کلی «کهن» مشخص کرده‌ام) آثار تصویری پراکنده‌ای بر جای مانده‌اند، که گرچه اهمیت تاریخی دارند، برای مطالعه دقیق سبک‌شناختی کافی به نظر نمی‌رسند. کمبود مدارک، به خصوص در مورد نقاشی صدر اسلام، بارزتر است. با این حال، بر مبنای همین اسناد موجود دست کم می‌توان به پیوندهای بنیادی میان نقاشی قبل و بعد از ظهور اسلام پی برد.

## گذشته‌های دور

تاکنون در نواحی مختلف نجد ایران<sup>(۱)</sup> آثاری پراکنده مشتمل بر تندیسکهای گلی، صخره‌نگاره‌ها، سفالینه‌های منقوش، و مهرهای محکوک شناخته شده‌اند که ما را تا حدی با زندگی مادی و معنوی ساکنان این خطه در اعصار قبل از تاریخ آشنا می‌کنند. نخستین قومی که در نجد ایران هویت تاریخی یافتند، عیلامیها بودند که آنها نیز شماری آثار تصویری از جمله نقشبرجسته صخره‌ای از خود بر جای گذاشته‌اند. این دستاوردی‌های کهن را با صفت کلی «ایرانی» مشخص و متمایز می‌کنند؛ حال آنکه در واقع پیش از آغاز فرهنگ و تمدن آریایی در این سرزمین پدید آمده‌اند. پژوهندگان معمولاً مبدأ «هنر ایرانی» را به دوران نوسنگی (هزاره هفتم ق.م) ربط می‌دهند، ولی بر اساس کشفیات و اطلاعات دقیق‌تر شاید بتوان سرآغازی قدیم‌تر برای این هنر قایل شد. به هر حال، معلومات موجود به ما امکان می‌دهند که سرچشمه‌های نقاشی ایران را در گذشته‌های بسیار دور جستجو کنیم.

صخره‌نگاره‌های منطقه کوه‌دشت لرستان، که صحنه‌های رزم و شکار با تیروکمان و حیواناتی چون اسب، گوزن، بزکوهی و سگ را نشان می‌دهند، از جمله قدیم‌ترین آثار تصویری یافته شده در ایران به شمار می‌آیند (ت ۱). بیشتر این نقاشیها به شیوه‌ای ساده و ابتدایی و با رنگهای قرمز آخراپی، سیاه و یا زرد بر روی دیواره غارها کشیده شده‌اند. حیوانات عموماً پهلو نما ولی انسانها گهگاه روبرو نما هستند. صراحتی اغراق‌آمیز در نمایش پیکرها و حرکات به چشم می‌خورد. همین صراحت، به رغم عدم انسجام طرحها، باعث شده است که موضوع جنگ و گریز به روشنی بیان شود. قدمت این صخره‌نگاره‌ها هنوز به طور

(۱) فلاتی وسیع که با کوههای سلیمان در خاور، کوههای زاگرس در باختر، و کوههای البرز در شمال محدود شده است (تقریباً شامل ایران کنونی، افغانستان و بلوچستان پاکستان). نجد ایران از دیرباز مرکز تلاقی سه فرهنگ عمده باستانی (بین‌النهرین، ماوراءالنهر و سند) بوده است.

دقیق معلوم نشده است و یقیناً همگی به یک دوران تعلق ندارند؛ ولی به احتمال قوی انگیزه ترسیم آنها با اعتقادات جادویی مردمان غارنشین این منطقه ارتباط داشته است.

جلوه‌های بارزتر هنر تصویری کهن ایران را بر روی سفالینه‌هایی می‌یابیم که از تپه سیلک (کاشان)، تپه حصار (دامغان) و یا کاوشگاههای دیگر به دست آمده‌اند. این کاوشگاهها در اصل محل سکونت مردمانی بود که کشاورزی می‌کردند و در فن سفالگری مهارت کافی داشتند. آنها ظروف سفالین نخودی یا صورتی را با شکلهای کژنمای انسانی و صور ساده شده حیوانی و نقوش هندسی به رنگهای سرخ و قهوه‌ای و سیاه می‌آراستند. در عصر مس و سنگ (حدود ۳۵۰۰ ق.م)، این گونه سفالینه‌نگاری در شوش به اوج کمال و ظرافت رسیده بود. در این زمان، خطوط و شکلهای ساده و با سنجیدگی به کار می‌بردند؛ و طرح را چنان سامان می‌دادند که با صورت کلی سفالینه هماهنگی کامل داشته باشد. بی‌شک، جنبه تزئینی طرح از اهمیتی خاص برخوردار بود؛ ولی احتمالاً معنای آن برای سازنده و مصرف‌کننده ظرف بیشتر اهمیت داشت.

به قول آرثر پوپ سفالینه منقوش را باید چون نخستین کتاب بشر تلقی کرد، زیرا که طرح و نقش این ظرفها «بیان بیمها و امیدها، و علایمی برای استعانت از قوای طبیعی و فراطبیعی در مبارزه دایم و حشتناک حیات است»<sup>(۱)</sup>. در آن روزگار، جانوران شاخدار مظهر نیروی باروری محسوب می‌شدند؛ و بی‌سبب نیست که نقش آنها را بارها بر روی سفالینه‌ها می‌بینیم. اما برای آنکه شکل حیوان به یک نماد گویا تبدیل شود، می‌بایست مشخصاتی عام و دلالتگر کسب کند. سفالینه‌نگار به خوبی از عهده این کار برمی‌آمد. نقش مشهور بزکوهی - که با مهارت بسیار از چند شکل و خط ساده هندسی تشکیل یافته - مثالی شاخص در

(۱) پوپ، آ. پیشین، ص ۹.